

استماع او از ابو عبدالله محمدبن احمد صفواني در ۳۵۲ ق در بصره و مکاتبه با حسین بن علي بزوفري در همان سال (همو، ۵۹) می تواند در تخيين دوره زندگي وي به کار آيد.

ابن نوح براساس سندي در الغيبة طوسى (ص ۲۴۰) برای تحصيل واستماع حدیث سفری به مصر داشته است. همچنان از برخی محدثان مقیم بغداد مانند ابو غالب زراری، ابن قولویه قمي و ابن داود قمي که هر سه در ۳۶۸ ق در گذشته اند، ظاهراً به طور مستقيم روايت کرده است (نجاشي، ۳۴۴، ۳۰۲، ۳۸۵). نجاشي که احتمالاً وي را در بصره ملاقات کرده است، ضمن توثيق و تأكيد بز اتفاق وي در روايت، اورا فقيهي بصير به حدیث خوانده واز وي به «استاذنا» و «شبختنا» تعیير کرده و چنانکه از عبارتش بزمي آيد از او بهره علمي بسيار بزده است (ص ۸۶). همو در موادردي ديگر (ص ۸۲، ۸۲، جم) به ذكر نظرات رجالی ابن نوح برداخته و اورا مورد اعتماد داشته است. طوسى نيز با اينکه تصریح می کند که ابن نوح را از نزدیک ندیده بوده، نقل کرده که وي در مسائل کلامی دارای نقطه نظرهای خاص همچون قول به رویت خداوند بوده است؛ با این حال همو ابن نوح را در حدیث «واسع الروایة» خوانده و توثيق کرده است (رجال، ۴۵۶، الفهرست، ۳۷). از مشایخ ابن نوح باید محمدبن یحيی عطار، ابوالحسن علی بن بلال مهلبی، طبری، احمد بن محمد بن یحيی عطار، احمدبن ابراهیم بن ابی رافع، احمد بن محمدبن علی بن قضل بن تمام، احمدبن ابراهیم بن ابی رافع، احمد بن جعفر بن سفیان بزوفري، حسین بن علی ابن بابویه قمي و نیاشیان محمدبن احمدبن عباس را نيز نام برد (نجاشي، ۵۹-۱۱۲، ۶۰، ۱۳۱، ۲۸۲، طوسى، رجال، ۵۰، ۸، الغيبة، ۲۲۶). از میان شاگردان و روايت کنندگان وي به غير از نجاشي می توان از حسین بن ابراهیم قمي ياد کرده كه طوسى به واسطه او از ابن نوح روايت می کند (همان، ۱۷۸، جم).

تاریخ در گذشت وي دانسته نیست، ولی به نظر می آید که در ۳۰۸ ق، سال ورود طوسى به بغداد، هنوز در قید حیات بوده و تالیف الفهرست طوسى چندان فاصله ای از وفات او نداشته است (نک: همو، الفهرست، ۳۷).

آثار: ابن نوح آثار بسياري داشته که اخبار الوکلام الاربعة يا اخبار الابواب معروف ترین آنهاست. اين كتاب مورد استفاده بسیار طوسى در الغيبة واقع شده و یکی از محدود منابعی است که اطلاعات با ارزشی درباره دوره غیبت صغری و نواب چهارگانه و نيز در مورد کسانی که خود را باب امام غایب (ع) می دانستند، به دست می دهد (نک: نجاشي، ۸۷؛ طوسى، الغيبة، ۱۷۸، جم؛ نيز نک: ابن طاووس، ۵۲۱-۵۲۲)، که روايتي از طریق ابن نوح در خصوص مسائل غیبت نقل کرده است. ابن نوح در این كتاب ييش از هر چیز روايات ابن بریته هبة الله ابن احمد کاتب را که از شیوخ وي بوده، اساس کار خود قرار داده است (نجاشي، ۴۴؛ قس: طوسى، همان، ۲۲۶، جم). از ديگر آثار اوست: التعقیب والتغیر؛ القاضی بین الحدیثین المختلفین؛ المصایب، در ذکر روايت کنندگان هر یک از آئمه (ع) و نيز کتابی در تکمیل تالیف

آثار: مُشير الاحزان و مُشير سبل الانسجان، در شرح مقتل امام حسین (ع) و ياران آن حضرت. اين كتاب در ۱۳۱۸ ق به صورت سنگی همراه باقرة العین في اخذ ثمار الحسين (ع) در تهران؛ در ۱۳۲۶ ق همراه با مقتل ابومخفیف واللهوف على ابن طاووس در بمیش؛ در ۱۳۶۹ ق با مقدمه ای از عبدالمولی طریحی در نجف و اخیراً در قم (۱۴۰۶ ق) به کوشش مؤسسه امام مهدی (ع) به چاپ رسیده است. اندی (همانجا) احتمال داده که التهاب نیران الاحزان عنوان دیگر مُشير الاحزان باشد؛ ولی با توجه به اطلاعاتی که فيض کاشانی در خصوص كتابی با این نام داده (نک علم اليقین، ۶۳۲/۲، الممحجة البیضاء، ۲۳۶/۱)، در گفته اندی باید تردید کرد. اثر ديگر وي رساله‌ای است با عنوان شرح الثار في احوال المختار، که علامه مجلسی آن را در بحار الانوار (۳۴۶/۴۵ - ۳۸۷) آورده است. خوانساری (۱۷۹/۲) كتاب دیگری با عنوان منهج الشیعۃ فی فضائل وصی خاتم الشریعہ نیز به وي نسبت داده است. نجم الدین ابن نما، به گفته ابن فوطی، در ذم برادرش علم الدین اسماعیل مقامه ای مشتمل بر نثر و نظم انشا کرده و نسخه ای از آن را به خط خویش برای ابن فوطی ارسال داشته است (۱۱/۱) (۵۷۰-۱).  
ماخذه: آتايزگ، طبقات اعلام الشیعہ، قرن ۷، به کوشش علی نقی مژوی، بیروت، ۱۳۹۲ ق ۱۹۷۲ م: ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، فرجة الغری، نجف، ۱۳۶۸ ق: ابن طاووس، علی بن موسی، الدروع الواقعیة، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی همو، فتح الباب، به کوشش حافظ خان، بیروت، ۱۴۰۹ ق ۱۹۸۹ م: ابن فوطی، عبدالزالق این احمد، تلخيص مجمع الأداب، به کوشش مصطفی جواه، دمشق، ۱۹۶۲ ق ۱۳۸۲ م: اندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق: این، محسن، اعیان الشیعہ، بیروت، ۱۹۸۲ م ۱۴۰۳ ق: خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، قم، کوشش احمد حسینی، بغداد، ۱۲۸۵ ق: نیش کاشانی، مولی محسن، ۱۳۵۱ ش: سلیم بن قیس هلالی، کتاب، بیروت، دارالفنون؛ نیش کاشانی، مولی محسن، علم اليقین، قم، ۱۴۰۰ ق: همو، التحجه البیضا، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۸۳ ق: میلادی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق ۱۹۸۲ م: مشهدی، محمدبن جعفر، المزار الکبیر نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی نوری، جنب، مشهد، میرک الرسائل، تهران، ۱۳۲۱ ق: ورام بن ای فراس، تبیه الخواطر، قم، ۱۳۷۵ ق.  
بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث

**این نوح سیراً فی**، ابوالعباس احمد بن علی بن محمد بن احمد ابن عباس بن نوح، محدث، رجال‌شناس و فقیه امامی در سده‌های ۴ و ۵ ق / ۱۰ و ۱۱. علت انتساب وي به سیراف (از شهرهای فارس) همچون ديگر جزئيات زندگي وي روش نیست، ولی در منابع تصريح شده که در بصره اقامته است (نجاشي، ۸۶؛ طوسى، الفهرست، ۳۷). به هر حال با بررسی اسانید روايات اومنی توان به اطلاعاتی کلی در خصوص زندگی او دست یافت. اگر در مورد روايت مستقيم ابن نوح از محمدبن بحر رهني سجستانی (د پيش از ۳۳۰ ق) به سبب فاصله زمانی طولانی (ازدیک به ۸۰ سال) میان مرگ آن دو (نک: نجاشي، ۳۸۴؛ قس: ابن حجر، ۸۹/۵) و نيز در مورد استماع وي از احمدبن حمدان قزوینی در ۳۴۲ ق به جهت احتمال افتادگی واسطه (نک طوسى، رجال، ۴۴۹؛ قس: نجاشي، ۳۷۳)، تردید روا داریم، باز

خود، بعداد بازگشت و اندکی بعد در آنجا درگذشت (زرکلی، همانجا). سال درگذشت او را به اختلاف ۷۶ ق / ۱۳۵۹ م (بستانی، همانجا) یا ۷۶۱ ق / ۱۳۶۰ م (صفدی، ۱۳۹/۱۲) و حتی بعد از ۷۷ ق / ۱۳۶۹ م (ابن حجر، ۱۸۶/۶) نوشتند که شاید تو قول نخستین به حقیقت نزدیکتر باشد. وی به گردآوری حدیث علاقه بسیار داشت و بدین منظور به دمشق و قاهره سفر کرد (صفدی، همانجا؛ ابن حجر، ۱۸۵/۶). اگرچه اثری در این رشته از او به جای نمانده است، با اینهمه می‌توان اورا محدث شناخت. ایاتی که صفتی و ابن حجر از او نقل کرده‌اند نیز می‌تواند بیانگر ذوق ادبی او باشد (صفدی، ۱۴۰/۱۲). قس: ابن حجر، ۱۸۵/۶ - ۱۸۶/۴.

با آنکه ابن نور در موسیقی هم دستی داشته، متأسفانه در این رشته اثری از او به جای نمانده است. تنها از عبارت صفتی که می‌گوید: «در دانش موسیقی استاد بود و اقوال و اعمال ساخته او در شام و مصر بین اهل این فن رواج داشت» (۱۴۰/۱۲)، معلوم می‌شود که وی در ساختن تصنیف و آهنگ‌های ضربی مهارتی داشته است، زیرا قول و عمل نوعی تصنیف همراه با شعر عربی و دارای طریقه جدول و میانخانه (صوت) و تشییعه (بازگشت) بوده است (مراغی، ۲۴۱).

ما خلا: ابن حجر غسلانی، احمد بن علی، الدرر الكافه، به کوشش سالم کرنکو و شرف الدین احمد، حیدرآباد دکن، ۱۹۱۶ ق / ۱۹۷۶ م؛ بستانی؛ زامیار، معجم الانساب، قاهره، ۱۹۵۱ م؛ زرکلی، اعلام؛ صفتی، خلیل بن ایک، اعیان العصر واعوان النصر، نسخه خطی احمد ثالث استانبول، شم ۱۳۰؛ مراجن، عبدالقدیر بن عیینی، جامع الالحان، به کوشش نقی بیشن، تهران، ۱۳۶۶ ش؛ کرنکو، سالم، مقدمه بر الدرر (نکده)، ابن حجر،

ابن واصل، ابو عبد الله محمدبن سالم بن نصرالله بن سالم بن واصل حموی (۲ شوال ۶۰۴ - شوال ۶۹۷ ق / ۲۰ اوریل ۱۲۰۸). زوئیه ۱۲۹۸ م)، مورخ، ادیب و فقیه شافعی، او در حمام زاده شد (صفدی، نکت، ۲۵۰) و همانجا رشد یافت. پدرش سالم بن نصرالله از فقیهان عصر و از نزدیکان امرای ایوبی بود، چنانکه از سوی آنان به منصب قضای حمام منصوب شد، ولی استعفا کرد و سپس برمند قضای معرفه التعلمان نشست (ابن واصل، مفرج، ۱۱۸/۴ - ۱۱۹). ابن واصل در ۶۲۱ ق / ۱۲۲۴ م با پدر به دمشق و از آنجا با هموکه به ریاست مدرسه ناصریه بیت المقدس منصوب شده بود، در اوایل ۶۲۲ ق به آن دیار رفت (همان، ۱۴۱/۴ - ۱۴۲). در ۶۲۴ ق پدرش به حج رفت و او نیابت وی را در مدرسه ناصریه به عنده گرفت (همان، ۲۰۸/۴)، اما مدتی بعد به سبب حنگ و نزاع میان مسلمانان و فرنگان، بیت المقدس را به قصد دمشق ترک گفت. اقامت ابن واصل در دمشق با برخوردهای نظامی امرای ایوبی شام و مصر هم‌زمان بود و خود او در کتاب مفرج الکروب برخی از این حوادث را که ناظر آنها بوده، ذکر کرده است (۲۵۳/۴). ابن واصل در اواخر ۶۲۷ ق به حلب رفت

ابن عقده در خصوص اصحاب امام صادق (ع) که ظاهراً مفصل بوده و مورد استفاده نجاشی قرار گرفته است (نجاشی، ۸۶ - ۸۷، ۱۳۷، ۸۷)؛ برای آثاری از او در فقه، نک: همانجا.

شایان ذکر است که ابن نوح ضمن وصیتی اجازه روایت بسیاری از آثار امامیه را به نجاشی داده و همین اجازه مورد استفاده نجاشی در جای جای رجال (مثلًا ۱۰۲/۱۱۲) قرار گرفته است. ظاهراً ابن نوح تالیقی نیز در فهرست آثار امامیه داشته که نجاشی از آن بهره گرفته و به واسطه او بسیاری از آثار سلف را روایت کرده است، به طوری که می‌توان ابن نوح را یکی از حلقة‌های مهم در زنجیرهای روایت کتب پیشین امامیه به شمار آورده (نک: همو، ۲۶، جم). طوسی در الفهرست (همانجا) یادآور شده است که آثار ابن نوح همگی به صورت پیش‌نویس بوده و از آنها چیزی باقی نمانده است. با اینهمه، چنانکه پیش‌تر گفته شد، همو در الفیه (تألیف ح ۴۴۷ ق) از روایات وی بهره برده است (مثلًا ۲۱۵، جم). اندک بودن اطلاعات درباره ابن نوح موجب شده تا ابن شهرآشوب در معالم العلماء (ص ۲۲) چیزی بر گفته‌های طوسی نیفاید و حتی علامه حلی (ص ۱۹ - ۲۰، ۱۸) و ابن داود حلی (ص ۲۲۴ - ۲۳۳) چنین تصور کنند که شخص موردنظر طوسی در الفهرست و رجال غیر از شخص مذکور در رجال نجاشی است.

ما خلا: ابن حجر، احمد بن علی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۱ ق؛ ابن داود حلی، الرجال، به کوشش جلال الدین محمد، تهران، ۱۳۲۲ ش؛ ابن شهرآشوب، محمد ابن علی، معالم العلماء، به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، تجف، ۱۳۸۰ ق؛ ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الایرج، تهران، ۱۳۳۰ ق؛ طوسی، محمد بن حسن، رجال، به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، تجف، ۱۳۸۰ ق؛ همو، الفیه، تجف، ۱۳۸۵ ق؛ همو، الفهرست، به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، تجف، کتابخانه متروضیه؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال، به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، تجف، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م؛ نجاشی، احمد بن علی، رجال، به کوشش موسی شیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق. میرزا علی‌الله، احمد بن علی، مجموعه اسناد ادب اسلام، تهران، ۱۳۹۰ - ۱۴۰۰ ش؛ حسن انصاری

ابن نور، نظام الدین یحیی بن حکیم نور الدین عبد الرحمن عقری طیاری معروف به ابن نور یا ابن حکیم (۶۸۵ - ۷۶۰ ق / ۱۲۸۶ - ۱۳۵۹ م)، موسیقی‌دان، خطاط، محدث و شاعر سده ۸ ق / ۱۴ - ۱۵ م. وی در بغداد متولد شد. پدر او نور الدین چشم‌بزشکی ماهر و ثروتمند بود و ابن نور با استفاده از امکاناتی که پدرش فراهم آورده بود (ابن حجر، ۱۸۵/۶)، به تحصیل پرداخت. ابن نور خوشنویسی توائی بود و به ویژه کوئی و مَقْلُى را در کمال استادی می‌نوشت (صفدی، ۱۴۰/۱۲؛ زرکلی، ۱۵۳/۸). در آغاز کار در بغداد به خطاطی و نوشت احکام دیوانی اشتغال ورزید (زرکلی، همانجا). سپس برای انجام فریضه حج به مکه رفت و مقارن دوران زمامداری ملک ناصر الدین محمد بن قلاوون دهیمن فرد از مالکیک بحری مصر (زامیار، ۱۶۲/۱) از آنجا رهسیار مصر شد و یک چند در قاهره و آنگاه مدتی در دمشق در خدمت نجم الدین وزیر به سر برد و با کسب فیض از مشایخ آن دیار (بستانی، ۱۱۲/۴) به زادگاه